

مقایسه تربیت کودک از نظر شهید مطهری و آلفرد آدلر

فهمیه کامکار^۱

چکیده:

یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند شهید مطهری از منظر الهیات اسلامی و آدلر از دیدگاه روان‌شناسی به انسان می‌نگرند، اما در چهار محور اصلی تربیت یعنی هدف نهایی تربیت، ماهیت انسان، عوامل مؤثر و روش‌های تربیتی، نقاط اشتراک قابل توجهی دارند. آدلر بر علاقه اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و سبک زندگی سالم دنیوی تأکید می‌کند، در حالی که شهید مطهری از دیدگاه اسلامی به تربیت می‌پردازد، و بر ابعاد الهی و معنوی و پرورش فضائل اخلاقی تأکید دارد و تربیت را در چارچوب دینی تعریف می‌کند. آلفرد آدلر به عنوان یک روانشناس، نگاه علمی و روانشناختی به تربیت کودک دارد و بر اجتماعی شدن و جبران کهنتری تمرکز دارد. هدف از بررسی این موضوع بیان نقاط قوت، نکات اصلی تربیت، و کلید موفقیت در تربیت و رشد انسان شایسته از منظر دو متفکر است. و روش تحقیق در این زمینه روش نظری است که با استفاده از منابع (کتاب‌ها، مقالات و...) به بررسی موضوع مقاله می‌پردازد. و سعی بر آن است که افتراق و اشتراک نظرات دو متفکر در متن این مقاله گنجانده شود.

کلید واژه: تربیت، تربیت کودک، خانواده، شهید مطهری، آلفرد آدلر

^۱ . طلبه مدرسه علمیه الزهرا سلام الله علیها فریدن. Fahimeh.kamkar120@gmail.com

مقدمه:

تربیت کودک از چالش برانگیزترین و حیاتی ترین مسئولیت های والدین می باشد. چرا که کودک عضو کوچکی از خانواده است و از هیچ شناختی در جهان بهره ای ندارد. و والدین اولین حامیان و آموزگارانی هستند که کودک را در شناخت جهان اطراف و حل مسائل راهبری می کنند. مسلماً کودکان باید در زندگی آداب و روشی مناسب برای خود داشته باشند تا بتوانند از لحاظ شخصیتی رشد کنند و استقلال یابند.

اگر کودکان بر اساس اصول و روش های درست پرورش یابد شخصی مسئولیت پذیر متعهد و دارای اخلاق درست می شوند. اما برعکس اگر کودکان بر اساس خشونت و بد اخلاقی، تنبیه بدنی و روابط نادرست و اصول غلط و ناکارآمد تربیت شوند کودکانی غیر متعهد، منزوی، بد اخلاق و ناموفق در روابط اجتماعی می شوند همچنین تربیت نادرست و غلط تاثیرات منفی و عمیقی بر رشد عاطفی، اجتماعی و روانی کودک می گذارد که باعث می شود کودک زندگی سختی داشته باشد. پس بنابراین بر عهده والدین و مربیان است که کودک را به نحو درست آموزش و یاری دهند.

حال به بررسی دیدگاه دو شخصیت متفکر و روانشناس پرداخته می شود، که نقاط اشتراک و افتراقی باهم در روش تربیت کودک دارند.

شهید مطهری جزو آن دسته از اندیشمندان اسلامی و با بصیرت است که به جامعه اسلامی خدمات بسیار کاربردی و خوبی ارائه داده است از جمله تالیف کتاب های تربیتی اخلاقی فلسفی دینی است.

دیدگاه ها و مباحث شهید مطهری از بعد آموزه های اسلامی فلسفی و روانشناختی می باشد ایشان بسیار با بصیرت و انسانی وارسته یدگاه ها و نظراتش بر اساس عقل دین و اصول اخلاقی بنا شده است.

آلفرد آدلر (روانشناس اتریشی-یهودی) بنیانگذار روانشناسی فردی، نظریه انضباط مثبت را در دهه ۱۹۲۰ معرفی کرد. در دهه ۱۹۸۰ دکتر جین نلسون بر اساس نظریه انضباط مثبت آدلر مدل فرزندپروری مثبت را توسعه داد. بنیان این مدل بر این اساس شکل گرفته که هر کودکی با نیت مثبت و انجام دادن کار درست متولد می شود.

نگرش آدلر این است که با هر کودکی باید به عنوان یک موجود منحصر به فرد رفتار کرد و شایسته احترام است. آدلر نیز مانند شهید مرتضی مطهری می گوید هر فردی به اندازه اهمیتی که در خانواده دارد و ارتباطی که میان او و والدینش برقرار است اهکارهای مقابلی در طول زندگی برای او شکل می گیرد. و هرگونه که با کودک در خانواده رفتار کنند در مقابل با آن رفتارها واکنش نشان می دهد.

در این مقاله سعی بر آن است که شیوه های تربیتی از منظر شهید مطهری و آلفرد آدلر و نقطه اشتراک و افتراق در شیوه تربیتی این دو بررسی گردد.

شهید مرتضی مطهری بنیان فکری شان بر اساس منطق و عدل بود ایشان در زندگی شخصی نیز عادلانه و منطقی ا مسائل روبرو می شدند اطرافیان را در انجام دادن یا انجام ندادن کارها ختار و آزاد می گفتند اما در کنار اختیار، دیگران را راهنمایی می کردند همچنین فوائد و مضرات چیزی را یان می نمودند تا فرد با آگاهی پیش زمینه ای وارد کاری شود یا مسئله ای را انجام دهد ایشان هیچ وقت در زندگی اجبار یا زور ه کسی تحمیل نمی کردند ایشان همچنین اطرافیان و اعضای خانواده را تشویق به مطالعه صحیح می نمودند. می فرمودند مطالعه باعث می شود انسان آینده ای روشن داشته باشد چرا که انسان بدون مطالعه مانند درختی بی ثمر است.

تربیت کودک از چالش برانگیزترین و با اهمیت ترین مسئولیت های والدین است. چرا که کودک عضو کوچکی از خانواده است و از هیچ شناختی بهره ای ندارد و والدین اولین و تنها حامیان و آموزگارانی هستند که کودک را در شناخت جهان اطراف و حل مسائل راهبری می کنند. مسلماً کودکان باید آداب و روشی مناسب برای زندگی خود داشته باشند تا بتوانند از لحاظ شخصیتی رشد کنند و از پس مشکلات بر بیایند.

ارتباطات اجتماعی و روش حل مسئله و همکاری را یاد بگیرند تا در بزرگسالی با استفاده از استعدادها و توانمندی ها در زندگی شخصی، شغل، محیط دوستانه و اجتماعات گوناگون موفق باشند.

اگر کودکان بر اساس اصول و ارزش های درست پرورش یابند اشخاصی متعهد، مسئولیت پذیر، دارای اخلاق درست و وظیفه شناس می شوند.

اما اگر کودکان بر اساس اصول و روش درستی تربیت نشوند نتیجه بالعکسی دارد و و شلختگی بی مسئولیتی و بی اخلاقی ناهنجاری را در بر دارد.

تاثیر خانواده و محیط زندگی در تربیت کودک :

خانواده اولین و نزدیک ترین پایگاه تربیتی و بنیان اساسی و امن ترین تکیه گاه برای کودک است. و هر چیزی که در این مکان اتفاق بیفتد همه افراد خانواده تحت الشعاع آن اتفاقات قرار می گیرند.

ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر، روابط عاطفی، رفتار والدین با کودک، فضای درون خانه و همه مسائل در خانه، اثری مستقیم بر شکل گیری ساختار شخصیتی کودک دارد.

اعضای خانواده به هر نحوی که با یکدیگر گفتگو کنند، طرز نگاه کردن آنها به یکدیگر، لحن و صدای آنها، طرز بیان خواسته ها (چه والدین از کودک باشد و چه کودک از والدین باشد) زبان بدن، شادی ها، غم ها، و همه این موارد بر شکل گیری شخصیت و اخلاق کودک تأثیر می گذارد.

هر دو معتقدند که والدین باید مهارت ارتباط با کودکان را بلد باشند. نحوه برخورد با کودک در مواقع مختلف زندگی را بدانند و با آموزش مهارت ها و کلیات زندگی، مسیر پیشرفت و رشد جسمانی، عقلانی و روانی کودک

را فراهم کنند. مثلاً وقتی کودک رفتار اشتباهی انجام می‌دهد سریع خشم نگیرند، یا او را از منزل بیرون نکنند، تنبیه جسمانی شدید نکنند، او را حبس نکنند چرا که این رفتارها بسیار روحیه کودک را تخریب می‌کند. منطقی‌ترین کار این است که وسیله‌ای را که کودک خود را با آن سرگرم می‌کرد از دسترس او خارج کنند. یا به مدت موقت وسیله‌ی مورد علاقه و سرگرمی او را از دسترس کودک خارج کنند.

همچنین یک اصل مشترک و مهم در تربیت از منظر دو متفکر وجود دارد و آن این است که ایجاد ارتباط موثر در میان اعضای خانواده و محیط خانواده از نقاط قوت برای رشد می باشد.

روش تربیت کودک از نظر شهید مطهری بر مبنای اصول اسلامی است. که تربیت اسلامی کودک را برای سعادت دنیا و آخرت لازم و ضروری می داند.

ایشان بر رفتاری عادلانه و منطقی در خانواده تاکید دارد. همچنین می گوید محیط خانواده باید آرامش‌بخش و دلگرم کننده باشد تا حس همدلی و انرژی مثبت در میان اعضای خانواده ساطع شود. کوچکترین موردی در محیط زندگی بر روی افراد اثرگذار است. پس چه بهتر است که نحوه تربیت بسیار صحیح و سالمی باشد. (مطهری. مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۳)

اما آدلر روش کاملاً مثبتی را برای تربیت کودک ارائه داده است که مبنی بر درک و توجه به نیازهای روانی و اجتماعی کودک است.

او می‌گوید از کودکی مهارت‌های فردی و اجتماعی مثل ابراز احساسات، طرز صحبت کردن، حل مسئله، دوستیابی، بازی به کودک آموزش داده می شود. و همه ی رفتارهایی که انجام می‌شود باید مثبت گونه باشد. (درایکورس. رودلف. راهنمای تربیت کودکان بر اساس نظریه آدلر، ص ۱۰۱)

برابری و احترام متقابل در محیط خانواده:

شهید مطهری و آلفرد آدلر معتقدند که کودک همانند سایر اعضای خانواده حق اظهار نظر دارند. ولی حدود و مسئولیت‌هایی معین شده است تا کسی نسبت به دیگری زور گویی و اجبار نداشته باشد. تبادل نظر و درک بیانات و پیشنهادات و احترام متقابل ارزش جایگاه اعضای خانواده را تعیین می کند.

در زمینه زور، تحمیل و یا خشونت نظر شهید مطهری این است که زورگویی و خشونت موجب افزایش ضعف شخصیت، ایجاد روحیه سرکشی، از بین رفتن اعتماد به نفس، و دوری از ارزش های اخلاقی می شود. برای

جلوگیری از چنین آسیب هایی، زبان و رفتار محبت آمیز، منطق و احترام متقابل می تواند با کودکان بسیار مفید باشد. (همان.ص ۶۵)

آلفرد آدلر به این نوع خانواده ای که احترام متقابل و برخورد منطقی دارند دموکراتیک می گوید. و طرفدار این سبک تربیتی خانواده است.

اما آدلر مخالف بقیه سبک های تربیتی بود. مثلاً یکی سبک تربیتی استبدادی بود. یعنی خانواده ای که کنترل کامل بر روی فرزندان دارند. و همه چیز را مثل ذره بین زیر نظر دارند.

یا مخالف سبک سهل گیرانه بود یعنی (بی قید و بند).

به طور مثال به جای دستوری صحبت کردن با کودک: غذات را بخور..

می توان گفت فکر می کنی چه موقع باید غذا خورد؟

از این طریق در تصمیم گیری ها کودک مشارکت داده می شود. و نظرش هم مهم می شود.

و او احساس ارزشمندی می کند. (همان.ص ۹۸)

تربیت مبنی بر فطرت الهی (عقلی، عاطفی) :

از نظر شهید مطهری و آلفرد آدلر تربیت برپایه فطری و عقلی و عاطفی از اساسی ترین روش ها برای تعالی روح، بالا بردن ظرفیت وجودی، شخصیت منطقی، اجتماعی، منضبط و مستقل محسوب می شود. هر دو معتقدند که کودک باید از لحاظ عقلی، منطقی، عاطفی، محبت در رشد بهره ببرد.

اما در روش این دو یک تفاوتی وجود دارد و آن اینکه شهید مطهری می گوید کودک از ابتدا نباید در راحتی مطلق به سر ببرد، بلکه باید در تربیت او رنج و سختی همراه با آموزش وجود داشته باشد.

بنا بر باور هر دو متفکر اگر فقط یکی از این روش ها در تربیت کودک عملی شود آسیب جدی به اصل تربیت وارد می شود. تربیت عقلانی کودک یعنی اینکه بتوان تحلیل و تصمیم گیری منطقی و توانایی های فکری را در ذهن و وجود کودک پرورش داد. کودک اینگونه می تواند مسائل را تحلیل کند، شواهد را ارزیابی کند، می تواند مستقل فکر کن و عاقلانه در مورد مسائل تصمیم بگیرد.

اگر کودک را تنها عاقلانه تربیت کرد، شخصیتی خشک، بدون احساس و عاطفه پیدا می کند.

آدلر سال‌های اول زندگی کودک یعنی ۵ تا ۶ سالگی را نقطه عطف و دوره مهمی برای شکل‌گیری جهان بینی کودک می‌داند. یعنی کودک هر آنچه که در اطراف مشاهده می‌کند می‌شنود یا هر چه را که تجربه می‌کند و با هر چیزی که ارتباط دارد در شکل گرفتن دنیای واقعی کودک دخیل است و اثر دارد. او نسبت به همه مواردی که در اطرافش هست شناخت و توجه و فهم پیدا می‌کند.

اگر والدین همیشه به جای کودک در کارها تصمیم بگیرند او وابسته تربیت می‌شود. اگر به کودک اهمیت داده شود، از او نظر خواهی شود اعتماد به نفس در وجود کودک تقویت خواهد شد و احساس ارزشمندی و ابراز وجود می‌کند. اگر کاری به او محول شود حس مسئولیت‌پذیری در او تقویت می‌شود به این ترتیب همکاری و مشارکت جمعی را نیز یاد می‌گیرد. (درایکوس. همان. ص ۱۵۴)

عدم اجبار و زورگویی در تربیت:

شهید مطهری معتقد است که انسان دارای فطرتی الهی است و ذاتاً گرایش به خوبی‌ها دارد بنابراین تربیت انسان باید همراه با فطرت باشد نه در مقابل آن.

اجبار و زورگویی تحمیل اثر مثبتی بر روی کودک ندارد بلکه باعث سرکشی و مقاومت منفی می‌شود والدین باید محیطی امن آزاد و بدون فشار روحی و روانی را برای کودک فراهم آورند.

در غیر این صورت شخصیت کودک خرد می‌شود روان او از درون ضعیف می‌شود. از نظر ایشان تربیت یعنی هدایت فطری پاک کودک است، نه اینکه استعدادهای ذاتی و خلاقیت‌های کودک نادیده گرفته شود.

اگر والدین فرزندشان را برخلاف پیل و علاقه‌شان به شغلی یا حرفه‌ای وادار کنند مصداق تحمیل وزور است.

وقتی که عقل و درک کودک هنوز توانایی تصمیم‌گیری مستقل را ندارد و مصالح کارها را به صورت کامل نمی‌داند والدین باید او را در مرحله به مرحله زندگی و تکالیف راهنمایی کنند. مثلاً در مسئله بهداشت، رفتار، آداب اجتماعی، نحوه ارتباط با دیگران، آموزش احکام دینی و غیره والدین باید به کودک یاد دهند که در هر مکان یا زمانی چه کاری بهتر انجام دهند. (امینی. همان. ص ۹۷)

آلفرد آدلر در این زمینه با شهید مطهری اشتراک نظر دارد.

او معتقد است که والدین باید انتظارات درست و واقع‌بینانه‌ای را از کودک داشته باشند و خواسته‌های خود را به شکل مشخصی به کودک انتقال دهند تا کودک تکلیف خودش را بدانند که باید دقیقاً چه کار کند. همچنین قوانین و محدودیت‌هایی باید برای کودک در نظر گرفته شود تا کودک لوس و سرکش نشود. آدلر در کودکی خود احساس تحقیر را تجربه کرده است. بهتر است که والدین یا مربیان بفهمند که اهداف کودکان از انجام کارهایشان چیست. علت یابی کنند، با او همراه شوند و در جهت مثبت با کودک برخورد و صحبت کنند. (دان دینک. همان. ص ۱۸۷)

یک تفاوتی که وجود دارد این است که شهید مطهری می گوید اجبار در مواقعی مشروعیت دارد و آن زمانی است که مصلحت اندیشی عاقلانه برای کودک است. که باید همراه با محبت و نرم و مناسب با توان درک و فهم کودک باشد. (فلسفی. همان. ص ۷۷)

تعادل بین تنبیه و تشویق:

تشویق و تنبیه روش دیگر در تربیت کودک شهید مطهری و آلفرد آدلر است.

از نظر شهید مطهری تشویق و تنبیه دو روش تربیتی هستند اما با یک تفاوت که تشویق و تنبیه همه جا جواب نمی دهد. تنبیه به صورت منطقی بسیار بهتر از تنبیه همراه با خشونت و آسیب است، چرا که این نوع از تنبیه احساس حقارت و سرخوردگی، به کودک دست می دهد. برای اینکه او فکر می کند از دایره توجه و احترام والدین خارج شده است.

از طرفی دیگر تشویق کودک در انجام امری نیز باعث می شود کودک ابراز وجود و نشاط کند وقتی کاری را انجام می دهد و مورد تشویق قرار می گیرد حس ارزشمند بودن و محترم بودن پیدا می کند. والدین می توانند به جای خشونت و تنبیه به صورت عاقلانه یک وسیله ای را از دسترس کودک خارج کنند یا او را برای مدتی کوتاه از وسیله مورد علاقه یا بازی مورد علاقه محروم کنند تا متوجه اشتباهش بشود. تذکر همراه با محبت نیز کارسازترین راه نشان دادن رفتار اشتباه است چرا که محبت علاوه بر تصحیح رفتار نادرست موجب آرامش و احساس امنیت در کودک می شود نه اینکه او را از والدین فراری دهد.

فرزند پروری به روش مثبت از نظر آدلر به این معنی نیست که کودک هر کاری بخواهد انجام دهد و والدین به او کاری نداشته باشند.

وقتی که والدین به کودک احترام بگذارند، در برابر خطا و اشتباه او را تنبیه بدنی نکنند، احساسات و عواطف و توانایی های او را سرکوب نکنند در میان جمع یا حتی تنها کودک را تحقیر نکنند، ترس و دلهره و اضطراب در وجود کودک ایجاد نکنند کودک نیز به راحتی می تواند با آنها ارتباط بگیرد، همه چیز را بیان می کند از آنها راهنمایی و آموزش می خواهد. مفهوم کلی این روش آدلر به این معناست که احترام متقابل، کشف رفتار اشتباه، ارتباط گیری درست، مهارت داشتن برای حل مسئله جایگزین تنبیه جسمانی کودک می شود. (امینی. همان. ص ۱۳۲)

آدلر به کلی مخالف تنبیه (هم جسمی و هم روانی) است. و تشویق به روش سنتی را نیز رد می کند. در کل تشویق و تنبیه به روش سنتی را بی تأثیر می داند. او می گوید تنبیه و تشویق موجب می شود که والدین حاکم و فرزندان مطیع و فرمانبر شوند. در صورتی که تربیت او باید با احترام متقابل، تعلق پذیری و برابری انسانی همراه باشد. او اذعان دارد که کودک اگر با تشویق تربیت شود، در صورتی کاری را انجام می دهد که پاداشی در انتظار او باشد و این ضربه بدی برای شکل گیری حس مسئولیت پذیری و استقلال اوست.

همچنین انگیزه های درونی کودک را دچار ضعف می کند و نیز باعث شکل گیری رقابت ناسالم با خواهر یا برادر می شود. اگر به او گفته شود که چرا مثل (خواهر یا برادر زرنگ نیستی؟) احساس حقارت به او دست می دهد و می خواهد با آنها رقابت کند. و این نشانه خوبی در تربیت کودک نیست.

تنبیه به روش سنتی نیز موجب می شود کودک در آینده قدرت طلب و زورگو شود یا با ترسی که در وجود او شکل می گیرد، کینه توزی هم به سراغ او می آید. هدف آدلر از این روش تربیتی در کل این است که شهامت و شجاعت، همکاری و مسئولیت پذیری در کودک شکل بگیرد. آموزش درست و همکاری با کودک، پذیرفتن کودک به عنوان عضوی مهم از خانواده نتیجه ی مثبت و بسیار خوبی می تواند داشته باشد. (درایکوس. همان. ص ۱۵۴)

نتیجه‌گیری:

از دیدگاه شهید مطهری و آلفرد آدلر در مورد تربیت کودک می‌تواند به درک جامع‌تری از اصول تربیتی از منظر اسلامی و روانشناسی غربی منجر شود. دیدگاه شهید مطهری بیشتر بر جنبه‌های معنوی و اخلاقی، توحیدی و روانشناختی تربیت تأکید دارد. در حالی که آلفرد آدلر رویکرد علمی و اجتماعی را دنبال می‌کند. تلفیق دو دیدگاه: می‌توان از روانشناسی آدلر (مانند اهمیت تشویق، احساس تعلق و اجتماعی بودن) در چارچوب ارزش‌های اسلامی که (شهید مطهری) مطرح می‌کند استفاده کرد تا تربیتی متعادل و همه‌جانبه شکل بگیرد. هردو متفکر خانواده را کانون اصلی تربیت می‌دانند. اما شهید مطهری علاوه بر نقش روانشناختی، به مسئولیت الهی والدین و خانواده محوری نیز اشاره می‌کند. آدلر بر تعادل بین نیازهای فردی و اجتماعی تأکید دارد. در حالی که شهید مطهری این تعادل را در پرتو ارتباط با خدا و ارزش‌های دینی تعریف می‌کند. در نهایت، تربیت مطلوب کودک از ترکیب این دو دیدگاه می‌تواند به پرورش انسانی متعهد، متعادل، اجتماعی و معنوی بینجامد.

در نهایت پیشنهادی برای پژوهشگران در زمینه ی تربیتی یا کودک ارائه می‌شود، اینکه این پژوهش سعی دارد پلی بین نظریه‌های روانشناسی تربیتی و نیازهای خاص خانواده ایرانی ایجاد کند. همچنین تمرکز بر یادگیری مهارت‌های اجتماعی، پایه‌های موفقیت کودک در روابط اجتماعی، تحصیلی و زندگی شخصی را تقویت می‌کند. و می‌توان این طرح را به عنوان پایان نامه دانشگاهی، یک پروژه موسسات پژوهشی، یا حتی به عنوان چراغی برای تولید محتوای آموزشی شخصی خود در نظر گرفت. و موفقیت این پژوهش در گرو تعریف دقیق مفاهیم، انتخاب ابزارهای معتبر و همکاری نزدیک با والدین است.

فهرست منابع:

* قرآن کریم. ترجمه الهی قمشه ای

* نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. چاپ ۱۲. قم. انتشارات جمکران. ۱۴۰۲.

۱. امینی. ابراهیم. تربیت کودک در اسلام. چاپ دوازدهم. تهران: موسسه بوستان کتاب. ۱۳۹۷.
۲. آدلر. آلفرد. نظریات کاربردی تربیت کودکان. ترجمه محمدحسین سروری. چاپ اول. تهران: انجمن اولیا و مربیان. ۱۳۷۹.
۳. درایکورس. رودولوف. کودکان خوشبخت (راهنمای تربیت کودک براساس نظریه آدلر). ترجمه حمید علیزاده و علیرضا روحی. تهران: ارسباران. ۱۳۸۰.
۴. سادات. محمدعلی. رفتار والدین با فرزندان. چاپ سوم. تهران: انجمن اولیا و مربیان. ۱۳۷۳.
۵. اخلاق اسلامی. تهران. سازمان سمت. ۱۳۹۳.
۶. شهریاری. روح الله. ادبستان مطهر (تربیت فرزند در اندیشه شهید مطهری). تهران: دفتر نشر معارف. ۱۳۹۱.
۷. تربیت کودک. چاپ اول. تهران: نشر قدس. ۱۴۰۰.
۸. گوردون. توماس. روش نوین و موثر برای تربیت فرزندان. ترجمه ایرج صابری. چاپ ششم. تهران: نشر آسیم. ۱۳۹۰.
۹. مطهری. مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام. چاپ چهل و هشتم. تهران: صدرا. ۱۳۸۵.
۱۰. نبرد حق و باطل. چاپ سوم. تهران: صدرا. ۱۳۹۹.
۱۱. حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی. چاپ شانزدهم. تهران: صدرا. ۱۳۷۶.
۱۲. انسان کامل. چاپ هشتادم. تهران: صدرا. ۱۴۰۲.

مقالات:

۱. نقیعی. رسول. عوامل تربیت از نگاه استاد شهید مرتضی مطهری. قم: مجله طوبی. ۱۳۹۰.
۲. نوربخش. علیرضا. ترتیب تولد در نظریه آدلر. تهران: دانشنامه روانشناسی مردمی. ۱۴۰۲.
۳. فرزندپروری آدلر. تیم تولید محتوا. تهران: نشر سلام آگاهی. ۱۴۰۳.